چهار خلبان برجسته در جنگ تحمیلی هشت ساله، فداکاری و عملیات‌های برجسته نیروی هوایی ارتش را روایت می‌کنند

محافظان آسمان ایران

عکس: حسین نقی‌زاده / ایران

گفت‌وگو

علی عوض‌خواه
گروه سیاسی

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی هشت ساله، نقشی کلیدی در دفاع از کشور ایفا کرد. این نیرو، با وجود محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، کمبود قطعات یدکی و چالش‌های داخلی پس از انقلاب، توانست با تکیه بر مهارت خلبانان، تکنیسین‌ها و استراتژی‌های عملیاتی، تأثیرات مهمی در روند جنگ داشته باشد. در ساعات اولیه حمله سراسری عراق، نیروی هوایی با واکنش سریع به پایگاه‌های نظامی عراق، از جمله «عملیات کمان۹۹» نشان داد که توانایی وارد کردن ضربه‌های سنگین به دشمن را دارد. این عملیات، که تنها چند ساعت پس از آغاز حمله عراق اجرا شد، با هدف تضعیف توان هوایی دشمن و کاهش فشار بر جبهه‌های زمینی انجام گرفت. ده‌ها فروند جنگنده ایرانی در این عملیات، پایگاه‌ها و زیرساخت‌های نظامی عراق را هدف قرار داده و نشان دادند که نیروی هوایی ایران، حتی در شرایط غیرمنتظره، می‌تواند عملیاتی پیچیده را هماهنگ کند. نیروی هوایی در طول جنگ، نقش مهمی در پشتیبانی از نیروهای زمینی داشت. جنگنده‌ها و هلیکوپترهای این نیرو با انجام مأموریت‌های شناسایی، بمباران مواضع دشمن و انتقال نیرو و تجهیزات، بارها مانع از پیشروی نیروهای عراقی شدند. برای مثال، در عملیات‌هایی مانند فتح‌المبین و بیت‌المقدس، پشتیبانی هوایی دقیق و به‌موقع، به نیروهای زمینی امکان داد تا مواضع دشمن را درهم بشکنند. این پشتیبانی‌ها، بویژه در مراحل اولیه جنگ که ارتش ایران در موضع دفاعی بود، از فروپاشی خطوط دفاعی جلوگیری کرد. نیروی هوایی ایران در نبردهای هوایی نیز عملکرد قابل توجهی داشت. خلبانان ایرانی با استفاده از جنگنده‌های اف-۴، اف-۵ و بویژه اف-۱۴ تامکت، که مجهز به رادارهای پیشرفته بود، توانستند برتری هوایی نسبی را در برخی مناطق حفظ کنند. سرنگونی تعداد قابل توجهی از جنگنده‌های عراقی و جلوگیری از بمباران گسترده شهرها و تأسیسات حیاتی از دستاوردهای مهم این نیرو بود.

آنچه در ادامه می‌خوانید، گفت‌وگوی «ایران» با چهار نفر از خلبانانی است که در عملیات‌های کمان۹۹، اچ۳ و دیگر عملیات‌های نیروی هوایی حضور داشتند. در این گفت‌وگو، امیر فرج‌الله برات‌پور، امیر رضا رمضانی، امیر سیداسماعیل موسوی و امیر محمدصدیق قادری، از خلبانان برجسته و پیشکسوت نیروی هوایی، با روایت‌هایی الهام‌بخش از روزهای پرالتهاب جنگ سخن می‌گویند. آنها از پیش‌بینی تحرکات دشمن پیش از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، آمادگی‌های نیروی هوایی در پایگاه‌های دزفول، تبریز و همدان و فداکاری‌های جاودانه خلبانانی چون شهید دوران پرده برمی‌دارند. متن پیش رو، تصویری از وطن‌پرستی و مهارت بی‌نظیر خلبانان ایرانی ارائه می‌دهد که چگونه با وجود چالش‌های داخلی و فشارهای دشمن، به تعهد خود در قبال ایران عمل کردند.

به عنوان اولین سؤال؛ شروع جنگ برای ارتش قابل پیش‌بینی بود؟

امیر برات‌پور: شروع جنگ برای ما کاملاً قابل پیش‌بینی بود. از ابتدای سال ۱۳۵۹، گزارش‌های مستمری دریافت می‌شد که نشان می‌داد دشمن در مرزها مشغول جاده‌سازی، ساخت سنگر و استقرار نیرو است. این گزارش‌ها مرتب به مسئولان در تهران ارسال می‌شد، اما هیچ‌کس به آنها توجهی نشان نمی‌داد. از اوایل مرداد ۵۹ دیگر کاملاً مشخص بود که رژیم بعث عراق قصد حمله دارد. همه‌چیز واضح بود. وقتی کودتای نقاب رخ داد، من همان شب در کرمانشاه بودم که به من اطلاع دادند هر کجا هستی، سریع برگرد. ابتدا فکر کردم جنگ شروع شده است، اما وقتی برگشتم، متوجه شدم موضوع به کودتا مربوط است. نکته اینجاست که این اتفاقات نشان‌دهنده فضای ملتهب آن زمان بود. کودتا باعث شد برخی از مردم نسبت به ارتش، بویژه نیروی زمینی و هوایی، بدبین شوند. مثلاً در روزهای ابتدایی جنگ شنیدم که مردم جلوی لشکر ۱۶ قزوین را که عازم جنوب بود، گرفته بودند یا لشکر ۷۷ خراسان قصد حرکت داشت، اما مردم به اشتباه فکر می‌کردند کودتایی در جریان است و مانع حرکت آن شدند. فضای کشور واقعاً این‌گونه بود. حتی وقتی رژیم وقت عراق حمله کرد، برخی از مردم اطراف پایگاه مهرآباد تصور می‌کردند خلبانان نیروی هوایی کودتا کرده‌اند و بمب‌ها را آنان ریخته‌اند. منظورم این است که فضای مسمومی علیه ارتش شکل گرفته بود. با این حال، در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ جنگ به‌صورت رسمی آغاز شد.

امیر رضا رمضانی: همان‌طور که امیر برات‌پور اشاره کردند، بله، پیش از شروع جنگ اطلاعاتی در دست بود. ارتش از طریق جنگنده‌های اف۵، گشت‌های مرزی را بویژه در مرزهای جنوبی تا جایی که سوخت جنگنده‌ها اجازه می‌داد، انجام می‌داد. جنگنده‌های اف۴ از همدان نیز مناطق میانی و شمالی‌تر را پوشش می‌دادند و پایگاه تبریز هم به همین ترتیب عمل می‌کرد. به این ترتیب، وضعیت مرزها مرتب پایش می‌شد. علاوه بر این، در شهریور ۵۹ گزارش‌هایی دریافت شد که نشان می‌داد عراق مناطق استراتژیک، از جمله قصرشیرین و جنوب، از جمله غرب فکه را اشغال کرده بود. به همین دلیل، نیروی هوایی از پایگاه همدان، که جناب برات‌پور در آن حضور داشتند، مأموریت بمباران این مناطق را انجام می‌داد.

امیر برات‌پور: ۱۰ روز پیش از آغاز رسمی جنگ، شهید فکوری به من دستور داد به پادگان ابوذر در سرپل ذهاب بروم. وقتی به آنجا رسیدم، شهید فکوری، شهید فلاحی، کلاهدوز و ظهیرنژاد حضور داشتند. در آن جلسه، به من گفتند که باید با جناب فلاحی صحبت کنم. رژیم بعث عراق ارتفاعات مشرف بر جاده قصرشیرین به سومار و نفت‌شهر را اشغال کرده بود و این جاده دیگر قابل استفاده نبود، چون زیر آتش دشمن قرار داشت. شهید فلاحی من را کنار نقشه برد و توضیح داد که رژیم وقت عراق این مناطق را تصرف کرده و از ما خواست تا با بمباران، این منطقه را هدف قرار دهیم تا نیروهای ما بتوانند آن را بازپس بگیرند. همان بعدازظهر، من با ۶ فروند جنگنده مأموریت را اجرا و منطقه را بمباران کردیم. با عراقی‌ها درگیر شدیم، اما آنها همچنان در منطقه ماندند و تا پایان جنگ هم آن را تحت کنترل داشتند. در آن زمان، هنوز حمله سراسری عراق شروع نشده بود. این ماجرا مربوط به ۲۰ شهریور بود. از ۱۷ شهریور، توپخانه عراق قصرشیرین و مهران را هدف قرار داده و تعدادی از پاسگاه‌های مرزی ما را اشغال کرده بود. این وضعیت قبل از شروع رسمی جنگ بود. حالا درباره پایگاه دزفول و اتفاقات ۲۷ شهریور، که شهید لشکری و زارع‌نعمتی در آن حضور داشتند، باید توضیحات بیشتری داده شود.

امیررضا رمضانی: عراقی‌ها ارتفاعات استراتژیک خاصی را تصرف کرده بودند و نیروی هوایی از پایگاه‌های مختلف برای بمباران این مواضع اعزام می‌شد. در ۲۷ شهریور ۱۳۵۹، دو جنگنده ما ساقط شدند؛ یکی خلبان شهید حسین لشکری و دیگری محمد زارع‌نعمتی که جاویدالاثر هستند. این دو خلبان از پایگاه دزفول برای بمباران پاسگاه‌های اشغال‌شده از سوی دشمن اعزام شده بودند. نیروی هوایی در آن زمان آمادگی ویژه‌ای داشت. ما در دانشگاه خلبانی بودیم و تمام پرسنل ستادی به پایگاه‌های عملیاتی تبریز، بوشهر و دزفول منتقل شده بودند. وقتی به دزفول رسیدیم، متوجه شدیم آمادگی‌ها چندین برابر شده و این مربوط به قبل از شروع رسمی جنگ بود. نقش نیروی هوایی در اسکورت نفتکش‌ها و ناوگان تجاری که اقتصاد کشور را در طول جنگ سرپا نگه داشت، بسیار برجسته بود. صادرات نفت ایران حتی یک روز هم متوقف نشد، در حالی که صادرات نفت عراق به دلیل بمباران‌های ما بشدت مختل شده بود. در مناطق شمالی، پایگاه‌های کی۱ و کی۲ از تبریز و همدان بمباران می‌شدند. در شمال عراق، به دلیل ممانعت مرحوم حافظ اسد، عراقی‌ها فعالیت چندانی نداشتند. در جنوب هم با اجرای عملیات مروارید، جلوی فعالیت‌های آنها گرفته شد. این عملیات با همکاری نزدیک نیروی هوایی و دریایی انجام شد. طی سه روز نبرد هوا-دریا، ۱۳ ناو عراقی از سوی نیروی هوایی مورد اصابت قرار گرفت. این کار بزرگی بود. ما در این عملیات شهدایی چون حسن مفتخری و کاظم روستا (نیاز به صحت‌سنجی) تقدیم کردیم. بزرگانی مانند شهید یاسینی، علی بختیاری، کیان ساجدی، رضا سعیدی و خلعتبری در عملیات مروارید درخشیدند و نقش کلیدی ایفا کردند. عملیات مروارید یک عملیات مشترک هوا-دریا بود و پایگاه بوشهر نقش مهمی در آن داشت. همچنین جنگنده‌های اف۱۴ از شیراز در این عملیات مشارکت داشتند. در این عملیات، ۱۳ هواپیما و هلیکوپتر عراقی نیز ساقط شدند که اسناد آن موجود است.

امیر سیداسماعیل موسوی: ما قبل از شروع جنگ تحمیلی، درگیر مسائل داخلی در شمال غرب کشور بودیم و با گروهک‌های ضدانقلاب و تجزیه‌طلب در کردستان مبارزه می‌کردیم. از اواسط سال ۱۳۵۸ با حضور شهید فکوری در تبریز، مقابله با این گروهک‌ها در منطقه شمال غرب جدی‌تر شد. من خودم در آن زمان معلم خلبان بودم و بیشترین پروازهای گشت مرزی را انجام می‌دادیم. چندین بار تا قصرشیرین برای پایش تحرکات مرزی پرواز کردیم. منطقه شمال غرب به دلیل کوهستانی بودن، تحرکات دشمن را به‌سختی نشان می‌داد و ما از تبریز چیزی مشاهده نمی‌کردیم. تحرکات اصلی دشمن، همان‌طور که امیر برات‌پور اشاره کردند، بیشتر در مناطق جنوبی بود. پایگاه‌های دزفول و همدان نیز گشت‌های مرزی مشابهی انجام می‌دادند. اما در شمال غرب، به دلیل ماهیت کوهستانی منطقه، عراق فعالیت خاصی نداشت و نهایتاً از طریق قصرشیرین یک لشکر وارد کرد. تا اینکه در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، ساعت ۲ بعدازظهر، در پایگاه تبریز بودم که هواپیماهای عراقی پایگاه را بمباران کردند. فقط یک بمب به وسط باند فرودگاه اصابت کرد که خیلی سریع ترمیم شد و پایگاه آماده عملیات شد. ما تا آخرین لحظه آماده بودیم و احساسات ملی و مذهبی‌مان به دلیل حمله دشمن به پایگاه تبریز جریحه‌دار شده بود. قرائن و شواهد نشان می‌داد که دشمن چنین جسارتی را انجام خواهد داد. صدام هم برآورد کرده بود که زمان مناسبی برای حمله است. به هر حال، این اتفاق افتاد.

> نقش نیروی هوایی در اسکورت نفتکش‌ها و ناوگان تجاری که اقتصاد کشور را در طول جنگ سرپا نگه داشت، بسیار برجسته بود. صادرات نفت ایران حتی یک روز هم متوقف نشد، در حالی که صادرات نفت عراق به دلیل بمباران‌های ما بشدت مختل شده بود

عملیات انتقام نیروی هوایی ارتش، اولین عملیات در پاسخ به تجاوزات رژیم بعث بود، درست است؟

امیر سیداسماعیل موسوی: پاسخ اولیه ما در پایگاه‌های سوم و ششم شکاری با بمباران شهرهای کوت و شعیبیه در عراق، که به عملیات انتقام معروف شد، انجام گرفت. اما پاسخ اصلی در سپیده‌دم اول مهر با عملیات کمان ۹۹ بود. ما از تبریز با حدود ۵۰ جنگنده به همراه شهید حمید فضیلت به سمت موصل حرکت کردیم و جنگ برای ما از آنجا شروع شد. در همان روز، صبح به موصل و بعدازظهر به پالایشگاه کرکوک حمله کردیم و روز بعد به اربیل رفتیم و آنجا را بمباران کردیم. هنگام بازگشت، هواپیماهای عراقی را که از تبریز برمی‌گشتند، در مرز دیدیم، اما نه ما و نه آنها به دلیل محدودیت‌ها نتوانستیم اقدامی انجام دهیم. اگر درگیر دشمن می‌شدیم، سوختمان تمام می‌شد و مجبور بودیم هواپیما را ترک کنیم. ما دائماً در حالت آماده‌باش بودیم. از یک سو، عملیات‌های پروازی را انجام می‌دادیم و از سوی دیگر، گردان‌ها ادغام شده بودند و در پست فرماندهی متمرکز می‌شدیم که بخشی از مسئولیت آن بر عهده ما بود. اما تمرکز اصلی روی مأموریت‌هایی بود که باید اجرا می‌شدند. پایگاه دزفول تحت فشار شدیدی قرار داشت؛ زیرا هم از طریق حملات هوایی، هم زمینی و هم موشکی مورد تهاجم دشمن بود. دشمن به منطقه نزدیک شده بود و با توپخانه هم آن را هدف قرار می‌داد. ما موظف بودیم طبق طرح‌های موجود، از این پایگاه پشتیبانی کنیم. برای مثال، شهید اردستانی از اولین کسانی بود که برای حمایت از پایگاه دزفول اعزام شد. من خودم در چهارم آبان، همزمان با سقوط خرمشهر، به همراه آقای رستگار با یک دسته چهار فروندی به دزفول رفتم. از آنجا که پایگاه تبریز از جبهه‌های جنگ دورتر بود و درگیری‌های زمینی نداشتیم، مأموریت‌های بیشتری انجام می‌دادیم و نقاط مختلف خاک عراق را بمباران می‌کردیم. البته این عملیات‌ها بدون تلفات نبود. عراق پدافند قوی داشت و به ما شلیک می‌کرد. در همان سپیده‌دم اول مهر، وقتی به سمت موصل پرواز کردیم، پدافند دشمن در مسیرمان فعال بود. در همان روز اول، یکی دو جنگنده از تبریز از دست رفتند و چند نفر از هم‌رزمانمان، از جمله حجتی و جهانشاهلو، به شهادت رسیدند. حسن افشین‌آذر نیز سانحه دید و بازنگشت. شرایط پایگاه‌ها به طور کلی این‌گونه بود. در روز اول جنگ، ۱۰ جنگنده از دست دادیم. این مسائل باعث شد که حدود یک ماه بعد، در اوایل آبان، جلسه‌ای در ستاد برگزار شود که من به نمایندگی از عملیات نیروی هوایی در آن حضور داشتم. آقایان قیدیان، دهنادی و امیر ایزدستا در این جلسه بودند و می‌خواستند توضیح دهند که چرا عملیات کمان ۹۹ ادامه پیدا نکرد. در افکار عمومی این‌گونه جا افتاده بود که نیروی هوایی در روز اول با ۱۴۰ فروند هواپیما عملیات کمان ۹۹ را اجرا کرد، در حالی که این ۱۴۰ فروند مربوط به موج اول بود. در موج دوم، همه پایگاه‌ها دوباره عملیات انجام دادند. برای مثال، ما در تبریز صبح به موصل و بعدازظهر به کرکوک حمله کردیم و سایر پایگاه‌ها نیز به همین ترتیب عمل کردند. در مجموع، در روز اول جنگ، ۳۲۰ سورتی پرواز برون‌مرزی انجام شد. در آن جلسه، دوستان توضیح دادند که چرا عملیات‌های بزرگ و توده‌ای مانند کمان ۹۹ دیگر ادامه پیدا نکرد. دلیل اصلی این بود که فرماندهان نگران تلفات بالای جنگنده‌ها در چنین عملیات‌هایی بودند. به همین دلیل، شهید فکوری دستور داد که این نوع عملیات‌ها متوقف شود. پس از آن، عملیات‌ها به‌صورت گزینشی و هدفمند به پایگاه‌ها ابلاغ می‌شد. برای ما در تبریز، مختصاتی مشخص می‌کردند و می‌گفتند فلان نقطه، مانند کرکوک، موصل یا پادگان سلیمانیه را هدف قرار دهید. این اهداف در شعاع عملیاتی ما بودند و پایگاه‌های دیگر نیز به همین ترتیب مأموریت‌های خود را انجام می‌دادند.

غلامرضا ظریفیان رئیس دفتر شهید محمد بروجردی از نقش و تدابیر او در جبهه غرب می‌گوید

گفت‌وگو

محمد بروجردی، یکی از فرماندهان نظامی برجسته و تأثیرگذار دوران جمهوری اسلامی، نامی ماندگار در تاریخ دفاع از تمامیت ارضی ایران است. او با نقش‌آفرینی کلیدی در تأسیس و سازماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پایه‌های این نهاد انقلابی را مستحکم کرد و با تربیت فرماندهانی بزرگ مانند حاج احمد متوسلیان، شهید همت، شهید ناصر کاظمی و دیگران، به رشد نسل جدیدی از فرماندهان نظامی کمک کرد. فرماندهانی که مشخصاً در جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران، شکوفا شدند. با این حال، مأموریت اصلی محمد بروجردی در منطقه غرب کشور، بویژه استان کردستان بود؛ جایی که او با نگرشی منحصربه‌فرد، ترکیبی از مدیریت فرهنگی، سیاسی و نظامی را به کار گرفت تا در برابر تهدیدات تجزیه‌طلبانه و اشغالگری گروهک‌های تجزیه‌طلب، از تمامیت ارضی ایران دفاع کند. لقب «مسیح کردستان» که مردم کرد به او دادند، گواهی بر تعهد او به حفظ این سرزمین تاریخی با تکیه بر مشارکت مردم بومی و احترام به کرامت انسانی است. هفته دفاع مقدس بهانه‌ای شد تا به گفت‌وگو با غلامرضا ظریفیان رئیس دفتر محمد بروجردی در سپاه غرب کشور بنشینیم. این گفت‌وگو، روایت ظریفیان از ابعاد مختلف نقش بروجردی در انقلاب اسلامی، تأسیس سپاه، تربیت نیروها و حفاظت از تمامیت ارضی ایران در منطقه غرب است.

فعالیت محمد بروجردی از کجا آغاز شد و اساساً از کجا اسم او در میان انقلابیون مطرح شد؟

شهید محمد بروجردی از مبارزان فعال و پرتلاش پیش از انقلاب اسلامی بود که نقش بسیار مهمی را در مبارزات پیش از انقلاب ایفا کرد. او در گروه چریکی «صف»، که یکی از گروه‌های فعال چریکی پیش از انقلاب بود، فعالیت داشت. به دلیل ویژگی‌های شخصیتی که بروجردی داشت، در آن زمان به عنوان «میرزا» شناخته می‌شد و از نظر هیبت و چهره شباهت زیادی به میرزا کوچک خان جنگلی داشت. او فردی قدبلند با موهای بور، دارای صلابت و تدین بسیار عمیق بود و در عین حال شخصیتی متعامل و پرتلاش در همسایگی فرهنگ دینی و همچنین در عرصه‌های مبارزاتی علیه رژیم پهلوی داشت. این شخصیت به دلیل ارتباطات گسترده‌ای که ایجاد کرد، ابتدا در تهران و سپس در برخی از شهرستان‌ها به عنوان یک مبارز فعال شناخته شد. او سپس به خارج از کشور سفر کرد، به لبنان رفت و با افرادی مانند شهید مفتح، شهید بهشتی و دیگر بزرگان ارتباط برقرار کرد. به هر حال، او نقش بسیار مهمی در انقلاب اسلامی، بویژه در شکل‌گیری انقلاب اسلامی پیش از پیروزی آن، ایفا کرد. تا جایی که در سال ۵۷ با نزدیک شدن به پیروزی انقلاب، نقش او بسیار پررنگ‌تر و فعال‌تر شد و در نهایت در یک تصمیم‌گیری بسیار مهم، مسئولیت حفاظت از حضرت امام خمینی(ره) هنگام ورود ایشان از پاریس به تهران به او سپرده شد. در حالی که در آن زمان گروه‌هایی مانند مجاهدین خلق مدعی بودند که توانایی و صلاحیت حفاظت از امام(ره) را دارند، بروجردی این مسئولیت را بر عهده گرفت و به خوبی از پس آن برآمد.

نقش محمد بروجردی در تأسیس سپاه چگونه بود؟

پس از پیروزی انقلاب، به دلیل ویژگی‌های شخصیتی که داشت، نقش مهمی در سازماندهی و ساماندهی نیروهای انقلاب نوپا ایفا کرد. انقلابی که با خطرات زیادی مواجه بود، به تجارب نظامی و پارتیزانی او نیاز داشت. بنابراین او به سمت تأسیس سازمانی حرکت کرد که با همکاری مجموعه‌ای از انقلابیون بتواند نقش حافظ و مدافع انقلاب نوپا را ایفا کند. بنابراین او یکی از نیروهای کلیدی در تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. اما به دلیل ویژگی‌هایی که شهید بروجردی داشت، عمدتاً هر کجا که مسأله خاصی وجود داشت، تلاش می‌کرد به حل مسائل بپردازد. او عمدتاً در پادگانی که امروز به نام پادگان ولی‌عصر(عج) شناخته می‌شود، مستقر شد. آنجا تلاش کرد تا به شکل گسترده نیروها را ساماندهی کند، سازمان رزم ایجاد کند و آموزش‌های جدی به نیروهای داوطلب ارائه دهد. از این جهت، نقش بسیار مهمی در ساماندهی نیروهای انقلابی در آن زمان داشت.

> انقلابی که با خطرات زیادی مواجه بود، به تجارب نظامی و پارتیزانی محمد بروجردی نیاز داشت. بنابراین او به سمت تأسیس سازمانی حرکت کرد که با همکاری مجموعه‌ای از انقلابیون بتواند نقش حافظ و مدافع انقلاب نوپا را ایفا کند

چه شد که عازم کردستان شد؟

انقلاب اسلامی در ابتدا با مشکلات جدی، بویژه در مرزها، مواجه شد. یکی از مشکلات جدی کشور، مسأله کردستان بود. دشمنان انقلاب طمع جدی به این خطه داشتند و فکر می‌کردند می‌توانند در این منطقه شکافی ایجاد کنند و قصد تجزیه آن را داشتند. محمد بروجردی، که هم صلاحیت فرماندهی کل سپاه را داشت و هم بزرگان انقلاب این پیشنهاد را به او داده بودند، به دلیل روحیه وظیفه‌گرایی‌اش، پیش از شروع جنگ تحمیلی، مأموریت فرماندهی منطقه غرب کشور را که شامل چهار استان کردستان، کرمانشاه، ایلام و همدان بود، پذیرفت. این مأموریت از سوی شورای انقلاب به مجموعه‌ای سپرده شد که فرماندهی آن بر عهده شهید بروجردی قرار گرفت. او تمام توان خود را صرف کرد تا کردستان، که یکی از ایرانی‌ترین و دیرپاترین مناطق کشور است را با کمک مردم کردستان حفظ کند. او ابتدا از سرزمین کردستان حفاظت کرد و سپس ظرفیت‌های بزرگی را با کمک مردم این منطقه شناسایی کرد تا کردستان را در برابر مشکلات تاریخی توانمند سازد.

گویا در آغاز جنگ تحمیلی هم شهید بروجردی در استان کردستان حضور داشت؛ دلیلش چه بود؟

به دلیل اینکه او فرماندهی منطقه غرب کشور را برعهده داشت و شامل چهار استان بود که اشاره کردم. طبیعتاً با شروع جنگ تحمیلی بخشی از مرزهای کردستان، کرمانشاه و ایلام هم درگیر شد. در این شرایط، طبیعتاً، شهید